

بهمن ماه دستگاه قضا «ناایمن» ها را تعیین تکلیف می کند

مهلت پیگیری ساختمان های ناایمن، امروز تمام می شود



الهام مهدزاده
e.mahdzadeh@shahraranews.ir

«هزار ساختمان شبیه ساختمان پلاسکو داریم.» این اظهار نظر صریح عبدالرضا گلیایگانی، معاون معماری و شهرسازی شهرداری تهران، دیروز رسانه ای شد. اوضاع ساختمان های ناایمن در مشهد، آن طور که مسئولان می گویند به مرحله «برخورد» رسیده است. مرداد امسال و پس از تشکیل کارگروه اماکن ناایمن، بازدید از این واحدها شروع شد و تا امروز ۱۷۶ بازدید صورت گرفته است. مسئولان آتش نشانی عنوان می کنند که امروز (۳۰ دی ماه)، فرصتی که به این ساختمان های ناایمن داده شد، به پایان می رسد. آن ها می گویند اگر واحدها ناایمن است و مالکان تا امروز برای رفع مشکل خود مراجعه ننکنند، وضعیت آنان اوایل بهمن ماه و در نشستی که با دستگاه قضا برگزار خواهد شد، تعیین تکلیف می شود.

● صدراخبار

وضعیت ساختمان های بزرگ اقامتی، تجاری و تفریحی مشهد از مردادماه و پس از حادثه کلینیک سینای تهران در صدر خبرها قرار گرفت؛ البته اوج گیری این اخبار با پست اینستاگرامی محمدرضا کلانی، شهردار مشهد، رقم خورد. شهردار مشهد در پست خود دغدغه اش درباره ساختمان های ناایمن مشهد را این طور با مردم به اشتراک گذاشت: «یکی از دغدغه هایم ارتقای امنیت برای شهروندان شهر بود و به همین دلیل سعی کردم تا هیچ چشم پوشی ای درباره مشکلات مجتمع های تجاری، اداری، برج ها، مراکز درمانی، آموزشی و ساختمان های مهم نداشته باشیم.»

همان روزها و پس از پیگیری های صورت گرفته، اسامی چند واحد ناایمن مشهد منتشر شد. حالا با گذشت چندماه، محمد جواد حیدری، معاون نظارت و پیشگیری سازمان آتش نشانی شهرداری مشهد، به روند پیگیری و بازدید از واحدهای ناایمن اشاره می کند. آخرین بازدید مربوط به پاساژ فیروزه است که روز گذشته انجام شد. او می گوید: مرداد امسال بود که کارگروه اماکن پرخطر در مشهد تشکیل شد و بازدیدهای بسیاری از واحدهای بزرگ مشهد در بخش اقامتی، تجاری و تفریحی صورت گرفت. امروز (دوشنبه) نیز قرار است از پاساژ فیروزه بازدید کنیم.

معاون نظارت و پیشگیری سازمان آتش نشانی شهرداری مشهد به اوضاع نابسامان پاساژ فیروزه اشاره می کند. به گفته معاون نظارت و پیشگیری آتش نشانی شهرداری مشهد، این پاساژ نیز در میان پاساژهای ناایمن قرار دارد و با وجود اعلام های صورت گرفته، از سوی متولیان این پاساژ اقدامی صورت نگرفته است.

● بازدیدهای ایمنی از ۱۷۶ واحد

فهرست بازدیدهایی که این مقام مسئول ارائه می کند ۱۷۶مورد است که به اذعان او شامل واحدهای تفریحی، سینما، اماکن اقامتی و بازارهاست. حیدری بر این نکته نیز تأکید دارد که این بازدیدها به دلیل گستردگی و تعداد درخو توجه واحدها هنوز به مرحله دوم نرسیده است.

اما ارزیابی کلی معاون نظارت و پیشگیری آتش نشانی شهرداری مشهد از وضعیت واحدهایی که بررسی شده است، وضعیتی نامناسب به لحاظ ایمنی را نشان می دهد. او معتقد است که در کلیات ایمنی و لحاظ کردن شرایط آن، بسیاری از واحدهای بازدیدشده لنگ می زنند.

● بی خیالی ناایمن ها

نکته دیگری که او به آن اشاره دارد، بی توجهی متولیان این واحدها برای رفع مشکلات است. حیدری می گوید: انتظار ما از واحدهایی که موارد ایمنی در آن لحاظ نشده است، این بود که حداقل هر کدام از این واحدها یک بار به ما مراجعه کنند و بپرسند مشکل کار کجاست، یا آنکه پرونده ای

شهریار

روزنامه
شهرامید
وزندگی

شماره ۳۳۳
دوره ۳۳
شماره ۱۳۹۹
شماره ۳۳۳

شماره ۴۰۴

شماره ۴۰۴

شماره ۴۰۴

محبویه فرامرزی
M.Faramarzi@shahraranews.ir

دیمیایی صورتی دخترانه ای به پا دارد. آن قدر جدی فوتبال بازی می کند که انگار بازیکن تیم مطرحی

است در لیگ برتر. بعداز دربیل زدن، درست رویه روی دروازه حریف می ایستد. ابروهایش را در هم می کشد. یکی از بچه های تیم مقابل، توپ را از جلو پایش می دزدد و او لی لی کنان به سمت دیوار مخروبه کنار زمین می رود. دیمیایی پایی را که بالا گرفته است در می آورد، برانداز می کند و چند بار می کوبد به دیوار تا سنگ ریزه ای از کف آن بیرون می پرد. بار دومی است که یک سنگ کوچک، موقعیت گل زنی را از او گرفته. دیمیایی را پا می کند و می دود به سمت زمین بازی.

البته اینجا، در زمین خاکی در منطقه توس که پر است از خرده شیشه و نخاله های ساختمانی، فقط او نیست که دیمیایی به پا دارد. جز یکی دو تا از بچه ها، بقیه همه با دیمیایی به میدان بازی آمده اند. اینجا آخر مشهدقلی است.

● *بازی کنار آتش غارنشین ها

یک سمت زمین خاکی، دیوار نیمه ریخته ای است که از دود آتش هایی که نیست، گله به گله سیاه شده است. سمت دیگر تا چشم کار می کند بیابان است و بیابان. حضورمان بچه ها را از بازی گرفته و همه جمع شده اند به تماشا. بزرگ ترنشان ۱۴ ساله به نظر می رسد. حاج وواج نگاهمان می کنند. یکی رو به بقیه می گوید: درویرین دارند. از صداوسیمما آمده اند از ما فیلم برداری کنند. در زمین مجاور چند مرد در حال تیله بازی هستند. یکی از پسرها که بزرگ تر است، وقتی سمت نگاهمان را می بیند، می گوید: قماربازند.

وقتی می بینند توجهمان را جلب کرده، توضیح می دهد که «بعضی وقت ها کارشان به چاقو کشی هم می رسد و ممدیگر را می زنند.» آن طور که از حرف زدن بچه ها پیداست انواع و اقسامی شناسند. کنار دیواری که از دود سیاه شده می ایستیم. بهروز، همانی که سنگ ریزه توی دمپایی جلو گل زنی اش را گرفته بود، می خندد و می گوید: این سیاهی ها کار غارنشین هاست.

بچه ها از حرف او ریسه می روند. بهروز ۱۵ ساله است. لای انگشتانش که از جلو دمپایی بیرون زده، پر از خاک است. مسردی را که در حال جمع کردن چوب و ضایعات است با انگشت نشان می دهد و می گوید: «بهارا گلم» دارد انگفال جمع می کند تا بسوزاند و حرکتی بزند! دوباره همه شان با هم می خندند. همه می دانند منظور از «حرکت زدن» استعمال مواد است.

● گرمای بگل سگ ها!

یکی دیگر از بچه ها کریم نام دارد. ۱۰ ساله است. سرولباس او هم خاکی است. می گوید: ما که بازی می کنیم، معناده ای می آیند اینجا مواد می کشند. بعضی وقت ها در همین زمین، ۴۰۰ نفر تادور زمین می نشینند و مصرف می کنند. این جاهایی که سیاه شده به خاطر همین است. آن ها آتش روشن می کنند تا گرم شوند.

کریم اطراف را نشان می دهد و دنباله حرفش را می گیرد؛ «در همین زمین ها برای خودشان و پلاستیک و چوب خنده درست کرده اند و مانند غارنشین ها زندگی می کنند. برای اینکه گرم شوند با سگ ها دوست می شوند و شب را بغل سگ ها می خوابند.

«نحوه استعمال کدام مواد را می خواهید؟» فرامرز بیراهن زرشکی به تن دارد. خجالتی است و با هر جمله اش، سرخ و سفید می شود. او در توضیح نوع موادی که معتادان در زمین محل بازی شان مصرف می کنند، می گوید: کریستال مصرف می کنند. کریاک و شیر، داروی گیاهی است برایشان. دوباره جمع بچه ها می خندد. میان خنده بچه ها محمود که کلاس سوم ابتدای است، می گوید: کریستال را با یک شیشه که مانند نی است، مصرف می کنند. سر شیشه پهن است. کریستال ها را با سیم داغ می کنند و دودش را با آن شیشه بالا می کشند.

یکی دیگر از بچه ها هم توضیح می دهد که معتادان قطور بنگ را مصرف می کنند. می گوید: من دیده ام قطور سیگاری

بازی در زمین سوخته!

روایت تکان دهنده شهرآرا از یک زمین بازی در مشهد جایی که معتادان پیش چشم کودکان، افیون و الکل مصرف می کنند



یک زمین می خواهیم، بی مزاحمت



برنده به همه اعضای تیم، کیک و نوشابه بدهد. آن دو برای هم کبری می خوانند. «کلت را می خوبانسم»، «بی اشکله»، «خیالی نیست» و جملاتی از این دست بین یک مرد ۳۸ ساله و پسری ۱۵ ساله ردوبدل می شود.

چه کار کردی؟ فکر می کردم الان در یکی از تیم های تهران بازی می کنی. این چه سروو وضعی است؟ برایم تعریف کرد که همان یک نخ سیگار باعث شد به طرف اعتیاد برود. دوسه بار سعی کردم ترکش بدهم اما قبول نکرد. مثل احمد بین این بچه ها زیاد است. این ها هم اگر در چنین شرایطی قرار بگیرند احتمالش کم نیست که در بنداعتیاد بیفتند»

● نمکی های کوچک

یکی دیگر از مددکاران اجتماعی محله نیز می گوید که نه تنها در محیط اطرافشان بلکه در خانواده هم با اعتیاد درگیرند. او می گوید:

امسال که شرایط درس خواندن متفاوت است، برخی از این بچه ها به خاطر نداشتن تلفن همراه از تحصیل عقب ماندند. تعدادشان کم هم نیست. تبلت یا تلفن همراه ندارند. خانواده هم تمکن مالی تهیه این وسیله را ندارد پس امسال را ترک تحصیل می کنند. این وقفه باعث می شود از درس و مدرسه عقب بیفتند و برای همیشه ترک تحصیل کنند. بچه بدسرپرستی را می شناسم که نتوانست تبلت خریداری کند و این روزها همراه پدرش ضایعات جمع می کند.

این مددکار معتقد است بچه هایی که از تحصیل عقب می مانند دنبال شغلی که هنر باشد و فردا به دردشان بخورد، نیستند. پدرانشان کارگرند، این بچه ها هم کارگری را دنبال می کنند و در نهایت بعضی هایشان نمکی های کوچکی می شوند که معلوم نیست قرار است کی به دام اعتیاد بیفتند.

انگار که شاهد از غیب رسیده باشد؛ مردی با سرووضع آشفته با گاری پر از ضایعات از کنار زمین بازی بچه ها می گذرد. پسر بچه ای هفت هشت ساله با سرووضع مشابه به دنبالش می داند و تأکید می کند: ترکیب عوامل می شوند که معلوم نیست قرار است کی به دام کارداریم!»

● توضیح شهراآرا: نام همه کودکان و نوجوانان در این گزارش، تغییر کرده است.

در این جمع، حسین، آرزویش یک توپ فوتبال است. مصطفی می خواهد فوتبالیست شود. پویا هم عشق فوتبال است. بین حرف هایشان شوخی ردوبدل می شود. مصطفی به پویا می گوید: خودم تو را به جایی می رسانم. مجید می خواهد پلیس شود. دوسه نفر از بچه ها آرزویشان خوردن پیتزاست. پویا اما آرزویی ندارد و می گوید:

حسین دلش غیر از توپ فوتبال می خواهد این زمین را تمیز کنند. دورش را فانس بکشد که معناده وقت بازی، مزاحمان نشوند؛ «زمین پر از خرده شیشه است. تا حالا دوسه بار شیشه رفته توی پایم. معنادها هم مزاحمان می شوند. آن ها وقتی خیلی مواد می کشند فوئشان

می کشند. توی سیگار را خالی می کنند. بنگ را با دستشان می ساینند و به جای توتون سیگار در غلاف سیگاری می ریزند، بعد سرش را پیچ می دهند و مانند سیگار روشنش می کنند و کام می گیرند.

● ما به ام تعارف می کنند!

حکایت تلخی است. بچه هایی که باید از دود و دم دوازده نفر دورهم می نشینند و مشروب می خورند. وقتی سرشان داغ می شود به ما که را می گیریم. مسمت که می ششوند به ما گیر می دهند که آنجا بازی نکنیم و به خانه هایمان برویم. ما ترسی از این غارنشین ها نداریم. فقط کافی است داد بزنینم و بگوییم سبچی ها آمدند. با اینکه پاهایشان به هم می پیچد هر کدام به یک طرف فرار می کنند.»

کریم با قد و قواره کوتاهش از پشت فرامرز بیرون می آید و حرف او را با آب و تاب کامل می کند؛ «یکی مست بود، دنبالمان کرد. اگر ما را می گرفت می کشت. یک بار همین جا نشسته بود به مواد کشیدن. به طرفمان آجر پرت کرد. اگر جاخالی نمی دادم، پایم را می شکست.»

آن طور که بچه ها می گویند هر روز همین بساط است. هر روز بعد از کلاس آنلاین، بچه ها در این زمین ها جمع می شوند. مصرف کنندگان مواد هم بیخ گوششان به کار خودشان مشغول اند. جلو چشم بچه ها کریستال می کشند، مست می کنند، دستشویی رفتن شان هم جلو چشم بچه ها بدون هیچ پنهان کاری و خجالتی انجام می شود.

● چنازه هم دیده ایم

اینجا انتهای خیابان شهید آهنگی است و بچه ها چیزهایی را می بینند که نباید؛ از مصرف مواد گرفته تا جنازه به قتل رسیده! عباس با

می کنند، یاد می گیرند. حال اگر محیط دارای ویژگی هایی باشد که جزو عناصر برهکارانه محسوب شود، امکان اینکه فرد این رفتارها را یاد بگیرد خیلی زیاد است. دبیر انجمن جامعه شناسی ایران، شاخه خراسان، یادگیری اجتماعی را یکی از حلقه های اصلی زنجیره انحرافات اجتماعی می داند و ادامه می دهد: بچه هایی که در چنین محیط هایی

زندگی می کنند، مواد مخدر را می بینند و مصرف آن را یاد می گیرند. البته این موضوع به تنهایی موجب معناد شدن فرد نمی شود بلکه عوامل دیگری هم هست که باعث می شود فرد مستعد انجام رفتار های انحرافی

شود. اگر آن عوامل که شامل ویژگی های فردی و خانوادگی و... است وجود داشته باشد، بچه هایی که در معرض یاد گیری

یادگیری اجتماعی؛ از دلایل اصلی انحرافات